

رویکرد حمایتی دولت در راستای تامین اجتماعی مردم در پرتو اصل برابری و عدم تبعیض
رضا ابراهیمی آغ اسمعیلی^۱ - ابوالفضل رنجبر^{۲*} - ناصر رهبر فرش پیرا^۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

چکیده:

برابری و عدم تبعیض در برخورداری از تامین اجتماعی یکی از اصول اساسی و بنیادین اسلام بوده و در این مکتب الهی تمامی آدمیان به اعتبار خلقت انسانی و اصل انسانیت با هم برابرند و کسی را بر دیگری هیچگونه امتیاز و برتری نیست و به تعبیر قرآن مجید همه انسانها از یک نفس واحد خلق شده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز با الهام از تعالیم آسمانی، برخی از اصول خود را بدان اختصاص داده و دولت را به عنوان متولی تامین اجتماعی در جامعه قلمداد نموده، هر چند که حوزه شمول تامین اجتماعی بسیار گسترده می‌باشد، اما قانونگذار، مکانیسم‌هایی را به جهت حمایت مالی دولت از تامین اجتماعی مدنظر قرار داده است. با این وصف از جمله مبانی مهم مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی را می‌توان قانون اساسی و اسناد بین‌المللی دانست که در این مقاله به روش توصیفی اسنادی رویکرد حمایتی دولت و اصل برابری در برخورداری از تامین اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته. نتیجه حاصله آنکه دولت نیز اهدافی در این حوزه برای خود متصور است که از جمله آنها می‌توان به تضمین رفاه اجتماعی، استمرار در عدالت توزیعی، برابری و منع تبعیض و همچنین اعمال حاکمیت از آن دست محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: برابری، تامین اجتماعی، دولت، رفاه، عدم تبعیض، مردم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JPIR-2107-1937

^۱ - دانشجوی دکترای حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ - استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران: نویسنده مسئول

^۳ - استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

عقلائی و اقتصادی بودن از جمله خصیصه‌هایی است که دولت‌ها تلاش دارند تا در آن حوزه گام بردارند، از جمله نهادهایی که می‌تواند اعتقادات دولت را در حوزه عقلائی - اقتصادی به منصفه ظهور برساند، حمایت کردن از تامین اجتماعی توسط دولت است، زیرا تامین اجتماعی نهادی است که بسیاری از بخش‌ها از جمله بخش خصوصی، نه توانایی حمایت از آن را دارد، و نه تمایلی به انجام آن. زیرا این نهاد در جامعه از ابعاد بسیار گسترده‌ای برخوردار بوده و صرفاً به یک نقطه معین محدود نمی‌گردد. به همین منظور دولت‌ها به جهت گام برداشتن در راستای رفاه اجتماعی و مهیا نمودن زمینه‌های آن برای اقشار جامعه، تلاش دارند تا وارد حوزه تامین اجتماعی شده و در این زمینه اقداماتی را انجام دهند. هر چند که حمایت از جامعه در قبال مخاطراتی که آنها را تهدید می‌نماید، امری کاملاً هزینه‌بر و گسترده است و مشکلاتی را برای دولت‌ها بوجود می‌آورد. به عنوان نمونه، بخش سلامت جامعه و هزینه‌های سنگین درمان، که دولت‌ها از طریق تامین اجتماعی، خدمات آنها را عرضه می‌نمایند در صورت ظهور رکود اقتصادی، می‌تواند هزینه‌های سنگین و سرسام‌آوری را بر دوش دولت‌ها بگذارد و در صورت عدم انجام به تعهدات، هزینه‌هایی دیگری همچون عدم رضایت مندی جامعه و امثالهم گریبان دولت‌ها را خواهد گرفت به این علت، دلایل متفاوتی می‌تواند پایه و مبنای دخالت دولت در تامین اجتماعی را فراهم سازد و مهمترین مسئله‌ای که مطرح می‌باشد این است که اصل برابری و عدم تبعیض در برخورداری از تامین اجتماعی و مبنای مداخله دولت در آن از چه جایگاهی برخوردار است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سوال می‌توان مطرح نمود، اینکه توجه به تامین اجتماعی بر محوریت اصل برابری و عدم تبعیض این اصل یکی از اصول اساسی و بنیادین اسلام می‌باشد که قانون اساسی نیز با الهام از آن برخی از اصول خود را بدان اختصاص داده و به صراحت به موضوع تامین اجتماعی و مداخله دولت در آن را مورد اشاره قرار داده است اصل ۲۹ قانون اساسی و اجرای آن به نوعی تعهدات سازمان تامین اجتماعی را تضمین نموده است و به لحاظ حقوقی دولت به عنوان سکاندار تضمین آن محسوب می‌شود.

الف) مفهوم و تاریخچه تامین اجتماعی

تعریف دقیق یا حداقل تعریفی که مورد قبول همگان باشد، از تأمین اجتماعی ارایه نشده است. به نظر می‌رسد، بررسی مساله تأمین اجتماعی همواره با دو جهت‌گیری همراه بوده است. یکی نظریه تفسیر مضیق از تأمین اجتماعی و دیگری بیان مفهومی موسع از آن می‌باشد. در دید موسع، تأمین اجتماعی مجموعه‌ای از سیاست‌ها، ساز و کارها و برنامه‌های عمل برای

حمایت از آسیب‌پذیران و کمک‌رسانی به مددجویان است. (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۸: ۲۳) در نگاه مضیق نیز شاید بتوان آن را به مفهوم بیمه بیکاری یا یکی از سایر انواع بیمه‌هایی که برای قشر آسیب‌پذیر جامعه در نظر گرفته می‌شود، تعریف کرد. از بعد تطبیقی، واژه تأمین اجتماعی حداقل در قانون فدرال آمریکا راجع به تأمین اجتماعی که در سال ۱۹۳۵ به تصویب کنگره رسید به مفهوم حقوقی آن مطرح شده و دارای مفهوم عامی از حیث هدف حمایتی دولت است که از حالت محدود تعریف به بیمه و بیمه کارگران تا سیستمی از حمایت اجتماعی از تمامی ضعفاء و نیازمندان را شامل می‌شود. (واتسون، ۱۹۸۰: ۱)

عده‌ای از دانشمندان در بیان مفهوم تأمین اجتماعی بیشتر بر روی بحث «سیاست‌گذاری» تأکید کرده‌اند. (اتکینسون، ۱۹۸۹: ۹۹) و واژه «تأمین اجتماعی» را دارای معنایی دوجانبه می‌دانند که سیاست‌گذاری دولت در زمینه تأمین اجتماعی یا مجموعه‌ای از رویه‌ها را شامل می‌شود و در هر صورت بیش از اینکه نتیجه اقدام عملی باشد، ناشی از طرز تفکر دولت‌ها و رویه‌ای است که آنها به عنوان یکی از ابعاد سیاست کلان خود در زمینه تأمین اجتماعی لحاظ می‌کنند. در تعریفی دیگر تأمین اجتماعی چنین تعریف شده است: مجموعه اقدامات سازمان یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی (مانند بیماری، بیکاری، حادثه ناشی از کار، پیری و از کار افتادگی و مرگ سرپرست خانواده که فرد و خانواده اش را دچار بحران می‌کند) پیش‌بینی و انجام می‌دهد. با توجه به مطالب گفته شده و تعریفی که از مفهوم تأمین اجتماعی ارائه شد حقوق تأمین اجتماعی را می‌توان اینگونه تعریف کرد:

حقوق تأمین اجتماعی مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر اقداماتی است که جامعه به نحو سازمان یافته برای حمایت از اعضای خود به هنگام پریشانی‌ها و تنگناهای اقتصادی و اجتماعی انجام می‌دهد. (استوار سنگری، ۱۳۹۳: ۱۸)

در خصوص مفهوم تأمین اجتماعی، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان ارائه گردیده است. هریک از دیدگاه خود به آن نگریده و تعریف نموده‌اند. در خصوص به‌کارگیری این واژه برخی معتقد به استفاده آن برای اولین در سال ۱۹۳۵ در آمریکا می‌باشند و برخی دیگر معتقدند که این واژه در سال ۱۹۱۸ و در طی یک فرمان به‌کار برده شده است. در قانون ۱۹۳۵ آمریکا، تأمین اجتماعی به منظور حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر خطرهای اجتماعی و سایر پدیده‌هایی که به نوعی برای انسان مخاطره آمیز می‌باشد را شامل می‌شد. در این خصوص قانون مذکور اینگونه بیان داشته است: «تأمین اجتماعی، حمایتی است از اقشار مختلف جامعه که بر اثر بحران‌های اقتصادی و غیره وضعیت آنها دگرگون شده در برابر خطرهای اجتماعی بیکاری تا مرگ سرپرست خانواده، پیری و از کار افتادگی، آن هم از طریق کمک‌های اجتماعی

و نیز بیمه‌های اجتماعی». (عراقی، ۱۳۸۵: ۲)

بنا بر تعریف فوق می‌توان حوزه شمول تامین اجتماعی را از دو دیدگاه بررسی نمود در دیدگاه اول، تعریف تامین اجتماعی می‌تواند یک تعریف با مختصات معین باشد به عبارت دیگر وجود مصادیقی از جمله پیری، از کار افتادگی و بیکاری و تبعاتی که در حوزه‌های فوق قرار دارد را تحت پوشش خود قرار داده و از اشخاص حمایت می‌نماید. در دیدگاه دوم تامین اجتماعی به معنای وسیع‌تر به کار رفته و آن مواقعی است که مخاطرات ذکر شده در تعریف، از قبل پیش بینی شده و تدابیری به جهت مقابله با آنها اندیشیده می‌شود. به عبارت دیگر در یک جمله می‌توان این چنین بیان نمود که «هدف از تامین اجتماعی و مبنای آن، ایجاد امنیت خاطر و آرامش روحی و روانی فرد بود. تامین اجتماعی به فرد به عنوان یک انسان می‌نگرد و هدفش این است که شخصیت انسان همانگونه که منزلت او ایجاب می‌کند، حفظ شود. پس نمی‌تواند خود را محدود به پارهای از خطرها کند». (عراقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳)

نکته حائز اهمیت اینکه، برخی از عناصر و مولفه‌ها، حضوری دائمی در تعاریف ارائه شده از تامین اجتماعی دارند که عمده‌ترین آنها عبارتند از: درآمد، پیری، بیکاری، سلامت. با نگاهی به عناصر فوق می‌توان به این نتیجه دست یافت مهم‌ترین مخاطراتی که می‌تواند در طول زندگی یک فرد او را تهدید نماید پیرامون سه عامل فوق می‌باشد. بر همین اساس اصولاً افرادی که دارای درآمد مشخصی هستند در ادامه زندگی خود و در زمان پیری که ناتوان و به نوعی فاقد توانایی کار کردن می‌باشند، می‌توانند از ماحصل زحمات دوران جوانی خود بهره‌مند گردند در این راستا، بیکاری به عنوان یکی از معضلات هر جامعه از جمله عوامل تحت پوشش تامین اجتماعی می‌باشد و سلامت نیز به عنوان عاملی حیاتی از عناصری است که تحت پوشش تامین اجتماعی قرار می‌گیرد. به همین دلیل بشر به دنبال راهکارهایی بوده تا بوسیله آن خطرهای اجتماعی را کاهش دهد. به عبارت دیگر «سیر اندیشه بشری در راستای زدودن و یا کاهش آثار خطرهای اجتماعی سه مرحله اصلی داشته است: بیمه‌های خصوصی، بیمه‌های اجتماعی و تامین اجتماعی». (عراقی، ۱۳۸۵: ۱۱)

این امر موجب آن گردید تا با گذشت زمان، بیمه‌های اجتماعی نیز به‌عنوان یکی از ابزار-های تامین اجتماعی تبدیل گردد، هر چند بیمه‌های خصوصی نیز امروزه، به عنوان یک مکانیسم حمایتی عمل می‌نمایند، اما به جهت حوزه گسترده تامین اجتماعی و توان محدود بیمه‌های خصوصی، نتوانسته همچون تامین اجتماعی از شمول فراگیری برخوردار باشد. لذا ارائه هر تعریفی از تامین اجتماعی نمی‌تواند خارج از چارچوب تعاریف قبلی باشد، اما مناسب‌ترین تعریف از تامین اجتماعی را باید از گزارش سازمان بین‌المللی کار با عنوان (به سوی قرن بیست

و یکم- توسعه تامین اجتماعی) درک نمود. درک مفهومی واژگان فوق آن است که از دیدگاه این سازمان «تامین اجتماعی نه به عنوان آمیزه‌ای از سازوکارهای تضمین کننده امنیت در مقابل مخاطرات بلکه به عنوان پاسخی برای نیاز به تامین این امنیت قلمداد می‌گردد». (فیروز مندی و احمدی، ۱۳۸۸: ۳۲)

با این وصف می‌توان تامین اجتماعی را در یک دایره‌ی وسیع‌تر مورد بحث و بررسی قرارداد و لازم نیست که آن را در قالب یک تعریف خاص محدود نمود و آنچه بسیار برجسته می‌نماید این است که امروزه فلسفه حضور تامین اجتماعی در جهان از محتوای بیشتری نسبت به سده‌های گذشته برخوردار است و موسسات بیمه‌های اجتماعی، مسئولیت فراوانی در اداره طرح‌های تامین اجتماعی را بر عهده دارند. (حاجی حسینی، محمدنژاد، ۱۳۹۲: ۸۷)

از جهت زمینه‌های تاریخی ظهور تامین اجتماعی در جوامع باید نگاهی به بحران اقتصادی آمریکا در سال ۱۹۲۵ نمود. شاید به زعم بسیاری از اندیشمندان، ایامی سیاه و تاریک برای جامعه آمریکا به ارمغان آورد، اما زمینه ساز، ظهور، پدیده‌ای گردید که بعدها جامعه بشریت را متحول نمود. در سال ۱۹۳۲ که روزولت به ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شد، با ایده عدم مداخله دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مخالفت خود را اعلام و شرایطی را ایجاد کرد تا دولت بتواند در مباحث اقتصادی و اجتماعی مستقیماً وارد شده و اثرگذار باشد. در این خصوص برخی معتقد بودند که «روزولت قائل به دکترین دولت رفاهی در برابر دولت ژاندارم بود. سیاست او موسوم به «معامله جدید» منجر به تصویب قوانین متعدد از جمله قانون ۱۴ اوت ۱۹۳۵ در مورد تامین اجتماعی شد». (پیروز، ۱۹۵۳: ۹۶) دولت رفاه را چنین تعریف می‌کرد: دولت رفاه، جامعه‌ای است که در آن قدرت دولتی برای تعدیل کار عادی نیروی اقتصادی به طور سنجیده به کار برده می‌شود تا توزیع برابرتری از درآمد حداقلی اساسی، صرفنظر از ارزش بازار کار و دارایی برای همه شهروندان به دست می‌آورد. (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱۰)

البته برخی معتقدند که بکاربری واژه تامین اجتماعی در یک سخنرانی توسط سیمون بولیوار^۱ از انقلابیون آمریکای لاتین (ونزوئلا) مورد استفاده قرار گرفته است که او نیز نقش دولت را در تامین اجتماعی مورد اشاره قرار داده است و بیان داشته که «کامل‌ترین نظام حکومتی آن است که بیشترین میزان (تامین اجتماعی) و بیشترین میزان (امنیت سیاسی) را فراهم آورد» البته بکار بردن تامین اجتماعی و امنیت سیاسی را می‌توان از شکلی دیگر نگریست زیرا «تامین اجتماعی و

¹ - Franklin D. Roosevelt

² - Newdeal

³ - Simón Bolívar

امنیت سیاسی برگرفته از واژه security می‌باشد، ولی در زبان فارسی یکی را تامین و دیگری را امنیت ترجمه می‌کنند با توجه به اینکه بولیوار در سال ۱۹۳۰ در گذشته است بنابراین کاربرد این واژه به اوایل قرن ۱۹ بر می‌گردد». (عراقی، ۱۳۸۵: ۶)

ب) مکاتب و نظریه‌های مرتبط با مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی

در خصوص چرایی دخالت دولت در نظام تامین اجتماعی باید مکاتب و نظریه‌های مهم در این حوزه را مورد بحث و بررسی قرار داد. در این میان مکتب لیبرالیسم از جمله مکاتب معروف در این حوزه است هر چند که نظریه‌هایی هم در این راستا ارائه گردیده است.

۱. مکتب لیبرالیسم^۱

لیبرالیسم را به معنی آزادی خواهی معنا نموده‌اند. (معین، ۱۳۸۵) مکتب لیبرالیسم همواره تلاش بر آن دارد تا با استفاده از آراء و نظریات اندیشمندان، حمایت فردی را از طریق دولت مدنظر قرار دهد. از نظریه‌پردازان مهم در این حوزه می‌توان به جان لاک، ایمانوئل کانت،^۲ جان استوارت میل،^۳ اشاره نمود. به عنوان مثال جان لاک معتقد بود که قبل از تشکیل هرگونه جامعه‌ی مدنی انسان‌ها در وضعیتی طبیعی زندگی می‌کرده‌اند. (سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۶۵) به عبارت دیگر از نظر جان لاک، نهادهایی همچون حکومت و دولت، در آن زمان وجود نداشته‌اند که بتوانند محدودیت‌هایی را برای انسان ایجاد نمایند و در خصوص سرنوشت انسان‌ها صرفاً تصمیم گیرنده خداوند متعال بوده است و انسان موظف بوده تا به تکالیفی از قبیل احترام به جان، مال و آزادی دیگران عمل نماید. با این وصف حکومت و دولت‌ها نیز امروزه این وظیفه را بر عهده داشته تا حداقل حقوق معیشتی و رفاهی مردم را مهیا سازند.

ماهیت مکتب لیبرالیستی بر این اصل استوار است که رعایت تساوی افراد در جامعه امکانپذیر گردد و به همین دلیل هر عاملی اعم از تشکیل گروه‌ها و یا احزاب که به نوعی مابین دولت و فرد قرار گیرد را نفی می‌نمودند. از جمله اقدامات لیبرال‌ها در سال ۱۷۹۱ تصویب قانون Chapelier بود. «برابر این قانون نه تنها سازمان‌ها و انجمن‌ها ممنوع گردید، بلکه اجتماعات افراد را نیز غیر قانون اعلام نمود». (عراقی، ۱۳۵۶: ۲۶)

مکتب لیبرال در واقع به دنبال ایجاد سیستمی بود که بر اساس آن اقتصاد به روش آزاد فعالیت و رشد یابد. رویکرد به سیاست اقتصاد آزاد موجب گردید تا سرمایه‌داران و کارخانه-

1 - Liberation

2- John Locke

3- Immanuel Kant

4- John Stuart Mill

5- Civil Society

داران بزرگ، یک استراتژی یک جانبه که به سود آنان بود را در پیش بگیرند، در این استراتژی ساعت کار فراوان، مزد کم و عدم حمایت از کارگران در قبال از کارافتادگی، سلامت و بیکاری آنها، قرار داشت به گونه‌ای که نیروی کار، هیچ گونه حمایتی در قبال مخاطرات موجود در اختیار نداشت، در این میان وضعیت کار زنان و کودکان به مراتب وخیم‌تر بود زیرا زنان و کودکان دستمزدی به مراتب کمتر از مردان دریافت می‌نمودند «ضمن آنکه در پاره‌ای مواقع ساعت کار کودکان به ۱۳ ساعت در روز منتهی می‌گشت». (عراقی، ۱۳۵۶: ۳۴)

تداوم این موضوع، موجب دلسردی کارکنان را فراهم نمود به گونه‌ای که کارگران با انجام برخی اعمال و رفتار، موجبات خسارات و خرابی را در محیط کار ایجاد می‌نمودند و انگیزه آنان نیز به جهت عدم ضمانت و حمایت‌های لازم از نیروی کارگر در زمان بازنشستگی و از کارافتادگی ناشی از کار و فعالیت بود. این امر موج شد تا سرمایه‌گذاران و دولت با چرخشی رویکردی طرحی را ارائه نمایند که بر اساس آن ارائه نوعی خدمات عمومی از سوی دولت را به دنبال داشته باشد. بنابراین مکتب لیبرالیسم بر آن گردید تا با توجه به نظریه سرمایه‌داری، تغییر اوضاع اقتصاد را در گرو تقییر وضعیت اقتصادی کارگران می‌دانستند به همین رو، دخالت دولت را به عنوان مهمترین عامل و ابزار در راستای این هدف دانستند. در این میان وجود نظریه پردازانی همچون سیسموندی بسیار حائز اهمیت بود زیرا او به این امر اعتقاد راسخ داشت که اقتصاد به عنوان عاملی در جهت ثروت اندوزی نیست، بلکه اقتصاد ابزاری است به جهت فراهم نمودن رفاه انسان، آن هم از نوع جسمی برای او. به همین دلیل، سیسموندی معتقد بود که دولت باید در ابعاد مختلف اقتصادی ورود نماید و این مداخله باید شامل رسیدگی به وضعیت کار زنان و ایجاد ممنوعیت کار کودکان را شامل شود مضافاً اینکه به کارگران کمک نماید تا با تشکیل سندیکاهای کارگری، هویتی رسمی یافته و از طرفی شرایط انجام کار از قبیل تعطیلات، مرخصی‌ها، دستمزد-ها، اضافه کاری را نیز مدنظر خود قرار دهد. از مهمترین نکاتی که در نظرات سیسموندی باید جستجو نمود، نظارت دقیق دولت بر قراردادهای است که در حوزه بیمه اجتماعی بین فرد و کارفرما منعقد می‌گردد در این خصوص «او عقیده داشت که کارگرانی که ایام جوانی و بهترین سنین عمر خود را برای کارفرمایان کار می‌کردند، حق دارند از کارفرمایان تضمین خود را در مقابل خطرهای مختلف و مخصوصاً بیکاری بخواهند». (جزایری، ۱۳۴۷: ۱۸۹)

۲. مکتب همبستگی اجتماعی^۲

شاید یکی از منسجم‌ترین نظریه‌ها در خصوص الزام دولت به مداخله در تامین اجتماعی را

1- Sismondi

2- Solidarisme

باید نشأت گرفته از افکار لئون بورژوا دانست بورژوا که یک سیاستمدار فرانسوی بود در کتابی به نام همبستگی را به رشته تحریر آورد که بعدها در جمهوری سوم فرانسه، سنگ زیرین تشکیل همبستگی نظام تامین اجتماعی از آن به منصفه ظهور رسید. در ماهیت مکتب همبستگی اجتماعی باید یک موضوع محوری را جستجو نمود و آن این است که از نظر این مکتب افراد جامعه در یک شرایط مساوی قرار دارند و اینگونه نیست که برخی از افراد جامعه بنا بر شرایط خاص، نسبت به سایر اعضای جامعه در یک نقطه برتری قرار داشته باشند، این تفکر، بنیانی را بوجود آورد که امروزه در تامین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی به آن عمل می‌نمایند. بنابراین عدالت اجتماعی و حمایت دولت از آن و نظارت بر این امر که اشخاص جامعه در شرایط یکسان از مزایای جامعه بهره‌مند گردند از جمله مباحثی بود که مکتب همبستگی اجتماعی به آن معتقد بود. (طاهری، ۱۳۹۶: ۲۳۶)

۳. مکتب مخالف سرمایه داری

شاید شاخص‌ترین فرد در مکتب مخالف سرمایه داری کارل مارکس باشد. مبنای مخالفت او با نظام سرمایه‌داری تئوری (ارزش اضافی) است، از نظر کارل مارکس، مالکیت و وسایل تولید، سرمایه‌های در دست سرمایه‌داران است که باید به کارگران به عنوان صاحبانی اصلی بازگردانده شود البته در این راستا کارل مارکس اعتقادی به حذف کامل دولت ندارد بلکه از نظر او دولت به عنوان یک ابزار و مکانیسم مفید در برقراری تامین اجتماعی امری ضروری و حیاتی محسوب می‌گردد به عبارت دیگر «از دولت به عنوان یک ابزار در راه تحقق عدالت اجتماعی نام می‌برد». (آراسته خو، ۱۳۷۴: ۱۰۷)

۴. نظریه پسماند لیبوکس و ویلنسکی^۳

اصولا نظریه پسماند لیبوکس و ویلنسکی را باید بر مبنای دو محور مهم مورد بحث و مطالعه قرار داد که عبارتند از: بازار و خانواده. این دو خود نیز بر این عقیده استوار بودند که در صورت عدم برقراری تعادل در انجام وظیفه این دو نهاد، مشکلاتی پدیدار می‌گردد که از برجسته‌ترین آن عدم برنامه ریزی و سیاستگذاری اجتماعی صحیح در درازمدت است به عبارت دیگر از دیدگاه نظریه پسماند، «سیاستگذاری‌ها و جایگزین‌ها در واقع موقت خواهند بود». (Koivusalo) به عبارت دیگر در چنین موقعیتی دولت توانایی انجام برنامه ریزی منسجم در حوزه رفاه را نخواهد داشت و تمامی برنامه‌ها به صورت موقتی بوده و گاهی موارد مواقع برچسب‌هایی نیز بر آن وارد

1- Léon Victor Auguste Bourgeois

2- Karl Marx

3- Libox & Vilenski

می‌نمایند. اصول حاکم بر نظریه پسماند آن است که تا زمانی که بازار و خانواده، متضرر نشده و طرح‌های رفاهی آن منجر به شکست نشده است، دولت با افراد کار ندارد. در این نظریه، عدم موفقیت بازار و خانواده، دولت را ملزم می‌سازد تا در جهت رفاه فرد گام برداشته و شرایط لازم در تامین اجتماعی را نیز تحت حمایت و پوشش خود قرار دهد «در غیر اینصورت لزومی به دخالت دولت دیده نمی‌شود». (وصالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷)

در مجموع از نگاه نظریه پردازان پسماندی، مردم هیچگاه نباید سقوط نمایند و همواره سعی کنند که در حال پیشرفت و رو به جلو باشند، این نظریه که از جایگاه مطمئنی در نظام رفاهی آمریکا برخوردار است به این نکته اشاره دارد که «این دیدمان مبتنی بر یک اصل اساسی است و آن اینکه رفاه پسماندی بر این اصل و استدلال مبتنی است که تنها مردم نباید به زیر حداقل-های اساسی سقوط کنند». (اسپیکر، ۲۰۰۵: ۳۴۸)

ج) قانون اساسی مهمترین منبع مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی

قانون اساسی به صراحت به موضوع تامین اجتماعی و مداخله دولت در آن را مورد اشاره قرار داده است. اصل ۲۹ قانون اساسی در این خصوص چنین بیان می‌دارد:

«برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرسی، پرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تامین کند» با نگاهی به تعریف فوق می‌توان به این نتیجه دست یافت که اولاً: قانونگذار دولت را در خصوص مصادیق ذکر شده در اصل ۲۹ مکلف به حمایت نموده است، از سوی دیگر منابع مالی حمایتی از افراد جامعه را از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم تامین نموده است تا در اجرای حمایت از افراد جامعه از سوی دولت، دغدغه‌های مالی مانع از استمرار حمایت نگردد.

به عبارت دیگر اصل ۲۹ قانون اساسی و اجرای آن به نوعی تعهدات سازمان تامین اجتماعی را تضمین نموده است و به لحاظ حقوقی دولت به عنوان سکاندار تضمین آن محسوب می‌شود به عبارتی دیگر «در مواقعی که دولت پیش‌بینی‌های لازم در مورد تامین منابع مالی نهاد تامین اجتماعی را از طریق مشارکت کارگران و کارفرمان نکرده باشد یا در وجوه تامین اجتماعی تصرفاتی کرده باشد یا حتی نظام‌های قانونی مطمئنی برای حسن اداره وجوه امانی تامین اجتماعی و سرمایه گذاری این وجوه مقرر نکرده باشد، در واقع در انجام وظایف قانونی خود که ایجاد

نهاد فراگیر تامین اجتماعی است کوتاهی کرده و از این حیث می‌بایست از محل سایر اعتبارات عمومی، کارائی نظام تامین اجتماعی را فراهم کند. این ترتیب از نظر حقوقی تضمین حسن انجام تعهدات نهاد تامین اجتماعی محسوب می‌گردد». (نصیری، ۱۳۸۰: ۴۷۶)

د) توجه به تامین اجتماعی بر محوریت اصل برابری و عدم تبعیض

این اصل یکی از اصول اساسی و بنیادی اسلام می‌باشد که قانون نیز با الهام از آن برخی از اصول خود را بدان اختصاص داده است. اولین اصل از فصل سوم که در خصوص ملت تنظیم شده است چنین بیان می‌کند: (مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود). بنابراین طبق قانون اساسی نژادپرستی در هر شکل و شیوه‌اش مردود و باطل شمرده شده و هیچکس حق نخواهد داشت به بهانه اختلافات ظاهری موجبات برتری و امتیاز یکی یا طبقه و گروهی را بر دیگران فراهم آورد. از نظر اسلام تمامی آدمیان به اعتبار خلقت انسانی و اصل انسانیت با هم برابرند و کسی را بر دیگری هیچگونه امتیاز و برتری نیست و به تعبیر قرآن مجید (همه انسان‌ها از یک نفس واحد خلق شده‌اند).

همچنین در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی می‌خوانیم: (دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف مندرج در اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌باشد) و در بند ششم از اصل مزبور یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی را محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی مقرر کرده است. بنابراین بر مبنای آنچه گفته شد، ملت ایران و بلکه تمامی انسان‌ها به اعتبار اصل خلقت با هم برابر و یکسان بوده و هیچکس را بر دیگری امتیاز نیست و لذا با توجه به این نکته، تمامی مردم ایران در برابر قانون مساوی و برابر بوده و هیچکس حق ندارد مانع از حمایت قانون از حقوق آحاد ملت گشته و یا خود را برتر از دیگران دانسته و از شمول قانون بگریزد. (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ۳۶)

و) مصادیق مساوات و برابری عموم مردم در قانون اساسی

برابر بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون به کار گیرد. همچنین به موجب اصل بیستم تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

قانون اساسی حتی بالاترین شخصیت نظام را از این اصل مستثنی نکرده و در ذیل اصل

۱۰۷ چنین آورده است. (رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است)

ح) حقوق مساوی زنان و مردان در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مقام و منزلت زن در تفکر اسلامی علاوه بر اختصاص چندین اصل به حقوق زن به نحو بسیار رسا و مطلوبی در مقدمه آن جایگاه و ارزش زن را ترسیم نموده و به طور خاص به رعایت حقوق این قشر عظیم توجه داده است.

در بند ۱۴ از اصل سوم، جهت نمایاندن تساوی حقوق زن و مرد و تأمین حقوق همه جانبه زنان، یکی از وظایف دولت را تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون بر می‌شمرد. همچنین در اصل هشتم از اصول کلی قانون اساسی همان گونه که مردان را موظف به اصلاح جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید زنان را نیز از این امر مستثنی نکرده و این وظیفه اساسی و مهم را بر عهده آنان نیز نهاده است و همه آنان را با رعایت قانون امر به دعوت به خیر و اشاعه ارزش‌های انسانی و الهی و جلوگیری از ضد ارزش‌ها و منکرات نموده است. (عباسی، ۱۳۸۶: ۲۸)

همچنین در بخشی دیگر از فصل سوم ضمن اینکه در جمیع حقوق که برای مردم ایران بر می‌شمرد تمامی آحاد آن را اعم از زن و مرد یکسان در نظر می‌گیرد. بعلاوه در اصول ۲۰ و ۲۱ همین فصل به طور خاص از حقوق زنان و تساوی آنان با مردان در این راستا در اصل بیستم چنین آورده است: (همه افراد ملت اعم از زن و مرد حقی یکسان در حمایت قانون دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند). در نظام حقوقی ایران نیز اصل رفتار برابر و عدم تبعیض جنسی هم به طور کلی و هم به طور خاص در حوزه تأمین اجتماعی پذیرفته شده است. اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه صراحت دارد و همچنین اصل ۲۹ قانون اساسی نیز اصل رفتار برابر را پذیرفته است.

بنابراین با استناد به اصول یاد شده، زنان از کلیه حقوق انسانی و به طور خاص حق تأمین اجتماعی به صورت مساوی با مردان برخوردار بوده و منعی برای آنها نباید وجود داشته باشد. تنها قیدی که اصل بیستم قانون اساسی بیان می‌دارد رعایت موازین اسلام است. هر چند در حوزه حقوق خصوصی تاثیر گذاری موازین اسلامی و نقش پر رنگ‌تر است ولی در حوزه حقوق عمومی و از جمله در تأمین اجتماعی همانطور که گفته شد به دلیل این که خصوصیت‌های فردی نقشی ندارد و فرد به عنوان یک انسان موضوع قرار می‌گیرد نقش موازین اسلامی به عنوان مانع، کمرنگ و حتی می‌توان گفت در حد صفر است. (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۷)

مطالعه اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز برای تکمیل بحث ضرورت دارد. بر طبق این اصل دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲- حمایت از مادران، بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

اتخاذ اینگونه تدابیر حمایتی از زنان، نه تنها تبعیض محسوب نمی‌شود بلکه اقدامی در جهت تحقق برابری و مساوات است زیرا یکی از مواردی که تبعیض در آن ممنوع نبوده بلکه مطلوب است، حمایت از کسانی است که در جامعه مورد حمایت قرار گرفته و احتیاج به حمایت ویژه دارند.

از مباحث دیگر در حوزه برابری جنسیتی در حقوق تأمین اجتماعی ایران، می‌توان به مستمری از کارافتادگی اشاره نمود که برای برخوردارانی از مستمری از کارافتادگی، مردان از حیث قانونی امتیازی بر زنان ندارند و زنان در صورتی که از کار افتاده بشوند می‌توانند از مستمری مربوط به آن همانند مردان استفاده کنند ولی اگر زن نه به صورت مستقل بلکه به شکل تبعی و غیر مستقیم بخواهد از این مزایا برخوردار شود تنها یک شرط باید داشته باشد و آن همسر بودن است در حالی که مرد طبق بند ۱ تبصره ۱ ماده ۷۲ باید بیش از ۶۰ سال داشته یا از کار افتاده کلی باشد و در هر دو حالت، به حکم قانون هیچ نوع مستمری دریافت نکند و معاشش نیز توسط زن تأمین گردد و به عبارت دیگر وابستگی مالی به زن داشته باشد.

دلیل این اختلاف این است که قانون تأمین اجتماعی، همچنان زن را از نظر اقتصادی وابسته به مرد می‌داند و آن را یک اصل محسوب می‌کند. در حالی که در مورد مردان، اصل را بر این قرار داده که نان‌آور خانواده‌اند و امری استثنایی است که مردی از نظر اقتصادی وابسته به زن باشد و بنابراین وابستگی باید ثابت شود. با تحولات اجتماعی که در حال رخ دادن است و زنان از نظر اقتصادی کم کم به سوی استقلال پیش می‌روند چنین وضعی بعید به نظر نمی‌رسد و اصل رفتار برابر نیز چنین اقتضایی دارد.

یکی دیگر از مزایای تأمین اجتماعی در برابری اصل جنسیتی، بحث مستمری بازماندگان است در این مستمری شوهر بازمانده و زن بازمانده از شرایط یکسانی برای دریافت مستمری برخوردار نیستند. عیال بیمه شده تنها به این شرط که شوهر اختیار نکرده باشد از مستمری

بازماندگان بهره‌مند است در حالی که شوهر بازمانده در صورتی از این مستمری می‌تواند استفاده کند که: (۱) در زمان حیات زن، تحت تکفل او بوده و وابستگی مالی به او داشته باشد (۲) از کار افتاده باشد یا سن او از شصت متجاوز باشد (۳) در هر حال از سازمان هیچ نوع مستمری دیگری دریافت ندارد.

علت اختلاف نیز همان است که در مورد از کار افتادگی و مزایای درمان گفته شد. قانونگذار بر اساس نمونه سنتی خانواده که شامل شوهر به عنوان نان‌آور خانواده و همسر تحت تکفل او است چنین مقرر داشته ولی باید دانست که این نمونه سنتی در ایران رو به زوال است و این مقررات که زمانی برای رفع نابرابری‌های ناشی از نظام اقتصادی-اجتماعی سودمند بوده خود موجود نابرابری‌هاست. نابرابری‌هایی که برآمده از نظام اجتماعی-اقتصادی نیست، بلکه از حکم مستقیم قانونگذار ناشی شده است. (اعتضاد پور، ۱۳۸۵: ۲۶)

د) نقش دولت در راهبردهای نظام تامین اجتماعی

از آنجایی که قانون اساسی، نقش و وظیفه دولت را در تامین اجتماعی مشخص نموده است، ایفای این نقش بدون در نظر گرفتن راهبردهای اساسی امری دشوار به نظر می‌رسید. بدین لحاظ دولت نیز تلاش می‌نماید تا با استفاده از ابزارهای مختلف، راهبردهایی را مدنظر قرار دهد تا بوسیله آن، علاوه بر اینکه بتواند از عهده وظایف خویش برابر اصل ۲۹ قانون اساسی برآید، اقدامی مناسب در جهت تامین مالی صندوق‌های حمایتی از نظام تامین اجتماعی نموده و نظام تامین اجتماعی را از بحران‌های مالی دور نماید. این راهبردها به شرح زیر می‌باشند.

۱. راهبردهای بیمه‌ای

این راهکار مبتنی بر اشتغال افراد جامعه بوده و شامل بیمه‌های اجتماعی، صندوق‌های احتیاط و مسئولیت کارفرماهاست.

بیمه‌های اجتماعی به طور عمده براساس تجمیع حق بیمه‌ها شکل می‌گیرد و مهمترین خدمات بیمه‌های اجتماعی عبارتند از: پرداخت‌های بازنشستگی، از کار افتادگی، بیکاری، فوت و درمان. نظام بیمه‌های اجتماعی بر اساس اصول اساسی جامعیت، فراگیری و کفایت شکل می‌گیرد و یکی از مهمترین اصول آن از جهت تامین منابع مالی، مشارکت بیمه شده (شاغل)، کارفرما و دولت در پرداخت مهم حق بیمه و همچنین اجباری بودن پرداخت حق بیمه است.

نرخ حق بیمه به صورت درصدی از دستمزد بیمه شده بر اساس محاسبات بیمه‌ای تامین می‌شود. صندوق‌های احتیاط نیز همانند بیمه‌های اجتماعی، براساس مشارکت اعضا شکل می‌گیرد لکن تفاوت آن با بیمه‌های اجتماعی در انواع خدمات است. در اینجا صندوق حالت

بین-النسلی ندارد و اعضاء در مواقع بروز خطر به میزان اندوخته خود در آن به علاوه سود سرمایه گذاری، مبالغی را دریافت میکنند.

در صندوق‌های احتیاط، بخش یا درصدی از وجوه ذخیره شده توسط خود فرد شاغل و بخش دیگر توسط کارفرمای او تامین می‌گردد به این ترتیب منابع جمع آوری شده به سابقه کار و مدت پرداخت‌ها بستگی دارد.

در طرح مسئولیت کارفرما، وی مسئول مستقیم پرداخت مزایای بیمه اجتماعی در مقابل کارگران و کارمندان خود می‌شود. هدف اصلی این‌گونه طرح‌ها ارائه کمک در قبال حوادث ناشی از کار به وسیله کارفرماست. به این ترتیب کارفرما موظف است مراقبت‌های درمانی و جبران خسارت را مستقیماً و یا تحت سیاست بیمه‌ای تصویب شده ارائه دهد. به طور کلی ویژگی‌های نظام بیمه‌های اجتماعی بر اساس انتشارات دفتر بین‌المللی کار، چنین ذکر شده است:

- (۱) تامین مالی بیمه‌های اجتماعی بر پایه پرداخت حق بیمه از سوی کارفرمایان و کارگران و با مشارکت احتمالی دولت در قالب سهم مکمل یا یارانه صورت می‌گیرد.
- (۲) پیوستن به نظام بیمه‌های اجتماعی جز در موارد استثنایی اجباری است.
- (۳) حق بیمه پرداختی در صندوق‌های ویژه یا صندوقی که با لحاظ کردن سهم هریک از خدمات تاسیس شده نگهداری می‌شود.
- (۴) وجوهی که برای پرداخت مستمری‌ها نیاز نباشد سرمایه‌گذاری می‌شود تا از این طریق درآمد اضافی حاصل و صرف هزینه‌ها گردد.
- (۵) حق استفاده از مستمری‌ها به نسبت و در ارتباط با حق بیمه پرداختی است نه نیاز مستمری بگیر و سایر منابع درآمدی او.
- (۶) در بیشتر موارد مبلغ حق بیمه و مبلغ مستمری‌ها با دریافتی و درآمد یعنی با فرد یا حقوق فعلی یا گذشته‌ی ذی نفع و مرتبط است.
- (۷) در بیشتر نظام‌ها هزینه بخش حوادث ناشی از کار و بیمه‌های شغلی و حرفه‌ای با مشارکت دولت به عهده کارفرمایان است.

۲. مساعدت اجتماعی

در مساعدت اجتماعی، سیاست دولت این است که افراد جامعه اعم از شاغل و غیر شاغل، در زمان بروز وقایع پیش بینی شده در قانون، استحقاق دریافت کمک‌های مالی را از محل اعتبارات عمومی دولت خواهند داشت.

مساعدت‌های اجتماعی ناظر بر اصل همبستگی و مسئولیت افراد جامعه در قبال یکدیگر

است و شامل آن دسته از کمک‌های عمومی می‌شود که به کلیه افراد جامعه در شرایط نیاز تعلق می‌گیرد. ویژگی‌های اصلی طرح‌های مساعدت اجتماعی عبارتند از:

(۱) هزینه‌های کلی طرح از بودجه عمومی تهیه می‌شود.
(۲) مزایا به عنوان یک حق قانونی و با توجه به طبقه‌بندی نیازمندیهای افراد جامعه پرداخت می‌گردد.

(۳) در ارزیابی نیاز دیگر درآمدها و منابع مالی فرد یا خانواده تحت پوشش وی در نظر گرفته می‌شود.

(۴) میزان مزایا به گونه‌ای محاسبه می‌شود که فرد متقاضی بتواند سطح مناسب زندگی خود و خانواده تحت پوشش خود را الزاما در سطح معیارهای قبلی زندگی خود تامین کند.

۳. خدمات اجتماعی

دامنه شمول خدمات اجتماعی با مساعدت‌های اجتماعی یکسان است. تفاوت آنها در چگونگی ارائه خدمات است. افرادی که به دلایل جسمی و روانی نیازمند حمایت‌های گوناگون هستند مشمول این گروه از خدمات می‌گردند. به طور کلی، نگاهداری افراد بی سرپرست و معلولان جسمی و ذهنی و همچنین بازپروری و توان بخشی و ایجاد زمینه‌های شغلی و مهارتی برای نیازمندان (خدمات بهزیستی) مهمترین خدمات این روش محسوب می‌گردد. تامین مالی خدمات اجتماعی که از اهمیت بسیار برخوردار است، در اکثر کشورهای جهان از بودجه عمومی دولت انجام می‌گیرد. البته به لحاظ اینکه خدمات اجتماعی، ابعاد انسانی و اخلاقی ویژه‌ای دارد غالبا بنیادها و موسسات خیریه بخش خصوصی و مذهبی نیز در این زمینه نظام‌های عمومی را یاری می‌رسانند.

تفاوت دیگر خدمات اجتماعی با مساعدت‌های اجتماعی اینست که در خدمات اجتماعی نوع حمایت، جنبه کمک و حمایت دارد نه حق.

۴. راهبردهای امدادی

در این راهبردها زیان‌های حوادث و بلایای طبیعی و غیر طبیعی، جبران می‌شوند. حوادث و بلایای طبیعی شامل سیل، زلزله، آتش سوزی در سطح وسیع (جنگل و مراتع و...) می‌شود و حوادث و بلایای غیر طبیعی مواردی از قبیل جنگ، انفجارهای شیمیایی و اسکان پناهندگان را در بر می‌گیرد.

در صورت وقوع چنین حوادثی کمک‌های مقطعی شامل حال کلیه شهروندان داخل و خارج از کشور که فاقد پوشش‌های بیمه‌ای بازرگانی باشند، می‌شوند.

ویژگی‌های اصلی خدمات امدادی عبارتند از:

- ۱) هزینه‌های کل طرح از محل درآمدهای دولت (بودجه عمومی) کمک‌ها و اعانات سازمان‌های بین‌المللی و سایر کشورهای جهان و اعانات بخش‌های عمومی و خصوصی تامین می‌شود.
- ۲) کمک‌ها صرفاً به صورت مقطعی و برای یک دوره خاص است.
- ۳) نوع کمک‌ها بستگی به توان مالی سازمان‌های حمایتی کننده بخش امدادی داشته و عمدتاً شامل اسکان موقت، غذا و پوشاک و خدمات درمانی آسیب دیدگان است.
- ۴) کمک‌ها به صورت عمومی و بشر دوستانه صورت پذیرفته و به عنوان حق قانونی افراد جامعه تلقی نمی‌شود.

ه) اهداف مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی

دخالت دولت در نظام اجتماعی، می‌تواند بر اساس یک استراتژی معین صورت پذیرد. این استراتژی همواره به دنبال آن خواهد بود که عموم جامعه را در حوزه شمول خود قرار دهد به همین منظور، اهداف مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی، در سطح کلان مورد مطالعه قرار گرفته و دیدگاه نظریه‌پردازان به آن در سطح کلان خواهد بود. برخی از این اهداف به شرح زیر می‌باشد.

۱. تضمین رفاه اجتماعی

امروزه رفاه اجتماعی به عنوان یک مکانیسم مهم جهت اقدامات دولت‌ها در جهت ایجاد رفاه در سطح جامعه محسوب می‌گردد برای رفاه اجتماعی تعاریف متعددی ارائه گردیده است اما در مجموعه می‌توان آن را چنین بیان نمود «مجموعه اقداماتی برای کاهش، رفع، پیشگیری یا کنترل مشکلات اجتماعی که از سوی دولت انجام می‌گردد». (دان، ۱۹۹۹)

از آنجایی که رضایت و خشنودی از جمله عواملی هستند که نتیجه اقدامات انجام شده محسوب می‌گردند، لذا به نظر می‌رسد که به هر میزان که رضایت و خشنودی افراد جامعه از اقدامات دولت در راستای رفاه آنها بیشتر باشد به همان میزان نشانگر موفقیت دولت در اجرای قواعد رفاه اجتماعی است. گذشته از آن، رفاه اجتماعی، یکی از اهداف تامین اجتماعی محسوب می‌گردد، بدین لحاظ غلبه بر مشکلات اجتماعی و افزایش رضایت و خشنودی افراد به جهت تامین نیازهای مادی و معنوی آنها از جمله اقداماتی است که دارای سطوح مختلفی می‌باشد، به عبارت دیگر، سطح رضایت‌مندی و انتظارات از اقدامات دولت در راستای برقراری رفاه اجتماعی در جوامع اروپایی به مراتب بالاتر از جوامع آفریقایی می‌باشد؛ به عبارت دیگر حداقل-های رضایت‌مندی این دودسته کاملاً با یکدیگر متفاوت است این امر بیانگر آن است که تضمین رفاه اجتماعی از یک دولت تا دولتی دیگر متفاوت خواهد بود، بنابراین دولت‌ها با توجه به

افکار عمومی، همواره تلاش می‌نمایند تا سطح رفاه اجتماعی را افزایش دهند تا رضایت نسبی را در جامعه از عملکرد خود حاکم سازند.

۲. استمرار در عدالت توزیعی

عدالت توزیعی، ابزاری است که توسط آن، دولت به مداخله در امر توزیع ثروت و همچنین عاملی مهم در حق‌های سیاسی شهروندان محسوب می‌گردد. «دولت‌های رفاه برای مداخلات حمایتی خود در حوزه‌های اقتصادی اجتماعی به نفع افراد ضعیف‌تر جامعه و مداخله تهدیدی در جهت محدود کردن حق مالکیت افراد، همواره نیازمند توجیهاتی بوده‌اند که در چارچوب عدالت توزیعی قابل دفاع است. بنابراین بخش عمده‌ای از حق‌های اقتصادی، اجتماعی و یا به عبارت دیگر نسل دوم حقوق بشر در چارچوب نظری عدالت توزیعی قابل طرح شدن می‌باشد.» (سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۸۷) از جمله این عوامل بحث تامین اجتماعی است که دولت بر اساس عدالت توزیعی خود را موظف می‌نماید تا با برقراری عدالت بین اعضای تحت پوشش، مانع از توزیع نامناسب امکانات و استفاده ناعادلانه از امکانات و تسهیلات در حوزه تامین اجتماعی می‌شود. البته نکته مهم اینکه عدالت توزیعی را می‌توان از آن جهت که به عنوان یکی از مولفه‌های مهم عدالت اجتماعی محسوب می‌گردد به عنوان عاملی مهم در تشریح دخالت دولت در نظام تامین اجتماعی از آن نام برد، کما اینکه اصولاً مفهوم عدالت اجتماعی از حوزه شمول بیشتری نسبت به عدالت توزیعی برخوردار می‌باشد.

۳. اعمال حاکمیت

اعمال حاکمیت دولت یکی از مهمترین موارد در هر دولت چه به لحاظ داخلی و چه به لحاظ خارجی می‌باشد. از جمله حوزه‌های شمول اعمال حاکمیت، می‌توان مباحث اداره امور رفاهی و عمومی جامعه را مورد اشاره قرار داد که این امر توسط دولت اجرا می‌گردد. نکته مهمی که در اعمال حاکمیت دولت بر تامین اجتماعی محرز است این می‌باشد که دولت تامین اجتماعی غیر قابل انحلال بوده و دولت هیچگاه نمی‌تواند به دلایل مختلف نسبت به تعطیلی آن اقدام نماید به عبارت دیگر همانطور که در سطور بالا ذکر گردیده، نهاد تامین اجتماعی هیچ گاه به جهت محدود شدن منابع مالی و غیره نمی‌تواند خدمات رسانی به اقشار جامعه را لغو نماید از سوی دیگر با توجه به عدالت توزیعی و همچنین اقتدار دولت در تحت پوشش قراردادن تمامی آحاد جامعه و عدم نگاه تبعیض آمیز یا اغماض به آنها، مشمولان تامین اجتماعی بدون توجه به مذهب، قومیت، جنسیت و سایر خصیصه‌های فردی، از مزایای قانونی آن برخوردارند. از طرفی از آنجایی که قانونگذار در اصل ۲۹ در خصوص تامین منابع مالی حمایت از تامین اجتماعی توسط دولت، پیش بینی‌های لازم را نموده است، لذا دولت نیز مکلف است به

روش‌های مختلف شرایط حفظ قدرت مالی صندوق را برای انجام به تعهدات حفظ و ارتقاء دهد. این امر می‌تواند با استفاده از افزایش حق بیمه و برخی اقدامات مقتضی در این حوزه انجام پذیرد.

نتیجه‌گیری

دولت به عنوان نماینده تام‌الاختیار جامعه، حاکمیت خود را بر تمامی ابعاد جامعه اعمال می‌نماید، از جمله نهادهایی که در حمایت از آحاد جامعه از سوی قانونگذار، دولت به عنوان متولی آن شناخته شده است، نهاد تامین اجتماعی است، لذا یکی از مبانی مهم در مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی است. دخالت دولت در نظام تامین اجتماعی از سالیان دور مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است به نحوی که در مکاتبی همچون مکتب سوسیالیسم و مکاتب مخالف سرمایه‌گذاری به این موضوع پرداخته شده است. در این میان دولت نیز به عنوان متولی نظام تامین اجتماعی، راهبردهایی را پیش‌بینی نموده که در حوزه بیمه‌ای، مساعدت اجتماعی، خدمات اجتماعی و راهبردهای امدادی از آن دسته محسوب می‌گردند. هر چند که مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی بدون در نظر گرفتن اهدافی معین، امکان‌پذیر نیست به همین جهت دولت نیز با در نظر گرفتن عواملی از قبیل تضمین رفاه اجتماعی و استمرار در عدالت توزیعی و در نهایت اعمال حاکمیت توسط نظام تامین اجتماعی، اهدافی بلندمدت را دنبال می‌نموده است. در نهایت به نظر می‌رسد که دولت به عنوان بهترین گزینه در این خصوص می‌باشد زیرا تنوع و گوناگونی اقشار جامعه و گستردگی آنها و همچنین توانایی در جهت دسترسی به منابع مالی هنگفت از جمله دلایلی است که مبانی مداخله دولت در نظام تامین اجتماعی را مورد قبول همگان قرار داده است.

توجه به تامین اجتماعی بر محوریت اصل برابری و عدم تبعیض این اصل یکی از اصول اساسی و بنیادین اسلام می‌باشد که قانون اساسی نیز با الهام از آن برخی از اصول خود را بدان اختصاص داده و به صراحت به موضوع تامین اجتماعی و مداخله دولت در آن را مورد اشاره قرار داده است اصل ۲۹ قانون اساسی و اجرای آن به نوعی تعهدات سازمان تامین اجتماعی را تضمین نموده است و به لحاظ حقوقی دولت به عنوان سکандار تضمین آن محسوب می‌شود.

تأمین اجتماعی از اصولی‌ترین و مهمترین مباحث در اجتماع محسوب می‌گردد. لذا با توجه به تجربیات گذشته دولت، موارد زیر به دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌گردد:

۱- با توجه به فراگیر بودن تامین اجتماعی، از اجرای طرح‌ها و سیاستگذاری در حوزه‌هایی

که نتایج آن ضعیف و بدون بهره‌مندی کافی برای آحاد جامعه می‌باشند پرهیز نمایند.

۲- نکته بسیار مهم در سیاستگذاری برای حوزه تامین اجتماعی، پرهیز از آزمایش و

خطاست زیرا حوزه تأمین اجتماعی به جهت گستره فراگیران آن، هرگز طرح‌ها را بر اساس آزمون و خطا بر نخواهد تابید و اجرای هرگونه طرح بدون پشتوانه مطالعات و علمی که محکوم به شکست گردد موجبات نارضایتی عمومی و رضایت‌مندی از دولت را فراهم خواهد ساخت.

۳- ایجاد زمینه‌های لازم برای بخش خصوصی و نظارت دقیق بر آن در خصوص فعالیت در برخی از بخش‌های مربوط به تأمین اجتماعی با پرهیز از پدیده رانت و با محوریت عدالت پروری می‌تواند هزینه‌های دولت را به صورت معقولانه کاهش داده و موجبات افزایش خدمات به مردم را فراهم سازد.

۴- تأمین اجتماعی به عنوان مدلی عملی از عملکرد نظام محسوب می‌گردد لذا هر میزان دقت در اجرای قوانین آن و نظارت بر نتایج حاصله می‌تواند در محبوبیت و استحکام پایه‌های نظام اسلامی موثر واقع گردد.



منابع فارسی

کتاب

- آراسته خو، محمد (۱۳۷۴)، **تامین و رفاه اجتماعی**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۳)، **حقوق تامین اجتماعی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان
- اعتضاد پور، ناهید (۱۳۸۵)، **تامین اجتماعی در ایران**، تهران: موسسه علمی پژوهشی تامین اجتماعی
- پیروز، محمود (۱۳۵۲)، **تکامل تدریجی سیستم تامین اجتماعی در بریتانیا**، تهران: سازمان تامین اجتماعی، دفتر برنامه ریزی و آموزش
- جزایری، شمس‌الدین (۱۳۴۷)، **حقوق کار و بیمه های اجتماعی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

- جوان آراسته، حسین، (۱۳۸۴)، **حقوق اجتماعی و سیاسی در ایران**، تهران: نشر معارف
- جهانگیر حاجی حسینی، محمدنژاد هوشیار (۱۳۹۲)، **طرح پژوهشی بهبود نظام تصمیم‌گیری در سازمان تامین اجتماعی**، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۴)، **الگوهای تامین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب**، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سید عزت ا... عراقی و دیگران (۱۳۸۶)، **درآمدی بر حقوق تامین اجتماعی**، تهران: موسسه نشر پژوهش و تامین اجتماعی

- عراقی، سید عزت ا... (۱۳۵۶)، **دوره حقوق کار**، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران
- فراز فیروزی‌مندی و سمیره احمدی (۱۳۸۸)، **تامین اجتماعی مقدمه‌ای بر اصول اساسی**، تهران: نشر شهر دانش
- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۹۰)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران: نشر شهر دانش
- معین، محمد (۱۳۸۵)، **فرهنگ لغات معین**، تهران: نشر کتابخانه ملی ایران.
- موسوی، فضل ا... (۱۳۸۵)، **بررسی تطبیقی شرایط کار زنان و نوجوانان**، تهران: نشر رسا

مقالات

- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۷۸)، **نظام‌های سنتی تامین اجتماعی**، فصلنامه تامین اجتماعی، سال اول، شماره سوم
- سید سعید وصالی و دیگران (۱۳۹۴)، **قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی**، (بررسی مسائل و مشکلات موجود در تدوین، تصویب و اجرا)، مجله علوم اجتماعی، پژوهشنامه مددکاری،

- عباسی، بیژن (۱۳۸۶)، **حقوق اساسی در دوران مطلق‌گرایی**، (باتاکید بر دوره پیش از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و پیش از انقلاب مشروطیت ایران)، نشریه حقوق اساسی، شماره ۸، سال پنجم
- عراقی، سیدعزت ا... (۱۳۸۲)، **اهمیت و جایگاه حقوق تامین اجتماعی**، فصلنامه حقوق تامین اجتماعی، دوره اول، شماره ۱
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۰)، **اصول و تحولات حقوقی نهاد تامین اجتماعی**، مجله اقتصاد تامین اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲

English Resources

- Atkinson, A. B (1989), **Poverty and Social Security**, Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf
- Dunn, peter (1999), **victim support in the UK - Victim support services in detail**, 123 Rd international senior seminar visiting experts papers
- Watson, P (1980), **Social Security Law of the European Communities**, Oxford: Mansell.p1

